

وجه تردیدی و شرطی

در فارسی قدیم

دانستیم که :

۱ - هرگاه جملهٔ پیرو، شرطی باشد انجام یافتن فعل پایه مسلم نیست .

۲ - در فارسی امروز فعل شرطی صیغهٔ خاصی ندارد .

اکنون می‌گوئیم که در ادبیات قدیم فارسی برای فعلهایی که وقوع آنها مسلم نیست صیغهٔ خاصی بوده است. این صیغهٔ خاص را که در جمله‌های مرکب شرطی چه در فعل جملهٔ پایه، چه در فعل جملهٔ پیرو به کار می‌رفته با افزودن حرف «ی» به آخر هر صیغه می‌ساخته‌اند .

امروز می‌گوییم و می‌نویسیم که :

اگر من آنجا بودم شما مرا می‌دیدید .

اما در دورهٔ سامانیان می‌گفتند و می‌نوشتند :

اگر من آنجا بودمی تو مرا بدیدی .

این وجه که در جمله‌های مرکب شرطی بکار می‌رفت در هر مورد دیگری نیز که در وقوع فعل تردیدی وجود داشت مورد استعمال بود، مثلاً در مورد فرض وقوع فعلی یا در بیان واقعه‌ای که کسی در خواب دیده است، یا آرزوی انجام یافتن کاری یا افسوس خوردن از انجام نیافتن آن و مانند آنها .

وجه تردیدی که یکی از موارد استعمال آن در جملهٔ مرکب شرطی است مانند وجه اخباری و وجه التزامی در زمانهای مختلف ماضی و مضارع بکار می‌رفت. در شعر و نثر بزرگان ادبیات فارسی غالباً به این صیغه‌های فعل بر می‌خوریم . پس برای آنکه بتوانیم از این آثار گرانبها بهره مند شویم، باید طرز استعمال صیغه‌های شرطی و تردیدی را در این نوشته‌ها بیاموزیم .

اینک مثال فعلهای شرطی در ادبیات فارسی :

زمان ماضی

گر آنها که خود گفتمی کرده‌ی نکوسیرت و پارسا بودمی

(سعدی)

اگر من میدان داری دانستمی با تودر آویختمی

(کتاب سمک عیار)

گر دیگری به‌شیوهٔ حافظ زدی رقم

مقبول طبع شاه هنرپرور آمدی

(حافظ)

گر دست من به چرخ رسیدی چنانکه آه

بند و طلسم او همه در هم شکستی

(خاقانی)

زمان حال و آینده

اگر مملکت را زبان پاشدی ثنا گوی شاه جهان پاشدی

گر کار به عزم استی اسکندر می من

ور معجزه شعر ستی پیغمبری من

(سنایی)

* * *

در بیان خواب نیز پیش از این همین صیغه بکار می رفت :

دیدم به خواب دوش که ماهی بر آمدی

کز عکس روی او شب هجران سر آمدی

(حافظ)

* * *

و در بیان آرزو غالباً پس از کلمه‌های «کاش» و «کاشکی»:

آن کو ترا به سنگدلی گشت رهنمون

ای کاشکی که پاش به سنگی بر آمدی

(حافظ)

در بیان تأسف از فعلی که واقع نشده یا حالتی که شخص نپذیرفته

است :

به رخ جو مهر فلک بی نظیر آفاق است

به دل در یغ ا که یک ذره مهربان بودی

(حافظ)

در فارسی قدیم برای بیان فعلهائی که وقوع آنها مسلم نیست وجه خاصی بوده است که آن را «وجه تردیدی» می خوانیم .

وجه تردیدی در «جمله مرکب شرطی» نیز بکار می رفته و در فعل جمله پایه و جمله پیرو هر دو معمول بوده است .

وجه تردیدی گذشته از بیان شرط برای بیان فعلی که فرض شده یا در خواب دیده شده یا آرزوی وقوع فعل یا تأسف از انجام نیافتن آن نیز متداول بوده است .

این وجه که در شعر و نثر بزرگان ادبیات فارسی قدیم بسیار مورد استعمال داشته است در فارسی امروز بکار نمی رود .